

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استاد مربوطه: دکتر فلور خیاطان

موضوع: اختلال اضطرابی

عناوین دو مقاله: 1- مدرسه هراسی

و مدرسه گریزی در کودکان

و نوجوانان 2- عوامل اجتماعی موثر

بر مدرسه هراسی دانش آموزان

اعضای گروه: 1- طاهره شهریار 2-

علی شریف 3- عادل محمدی

مصبری

SCHOOL



اصطلاح مدرسه هراسی بعد از اجباری شدن نظام آموزش و پرورش از قرن 19 به وجود آمده است، که به اشکال متفاوت مانند: غیبت بدون اجازه از مدرسه، مدرسه گریزی، افت تحصیلی و اختلالات شخصیتی آشکار می شود که دلایل آن را باید بیشتر در خانواده ها، فرهنگ، جامعه، نظام آموزشی، معلم، کادر اجرایی، محتوای کتاب های درسی و ویژگی های فردی دانش آموزان جستجو کرد.

«هراس از مدرسه» «گریزاز مدرسه» و
«رویگردانی از مدرسه» معنای یکسانی
ندارند، به طوری که در **مدرسه گریزی** دانش
آموز به طور متناوب غیبت می کند و به
مدرسه نمی رود و خانواده ها نیز غالبا از این
موضوع اطلاعی ندارند و معمولا به علت
تنبلی و برخورد نامناسب مدرسه است.
ولی **رویگردانی** از مدرسه، کودک به
طور پیوسته و به صورت مستمر به مدرسه
نمی رود خانواده از نرفتن او به مدرسه
آگاهی دارند و رویگردانی از مدرسه به

به علل عاطفی درون خودش پیش می آید
و عوامل خارجی و اجتماعی و روابط
خانوادگی و مدرسه در آن مدنظر نیست.
اما **هراس از مدرسه** موضوع تازه ای نیست
و صرفاً علل روانی و فردی ندارد، بلکه علاوه
بر ویژگی های فردی، رفتاری و
شخصیتی، بیشتر عوامل اجتماعی دارد که
از طریق یادگیری و تجربه در آن حاصل می
شود.

بیت

م

توسعه

و

ع

یکی از مهم ترین مسائل اقتصادی کشور، تربیت نیروی انسانی ماهر و کار آزموده از طریق نظام آموزش پرورش برای توسعه اقتصادی اجتماعی می باشد.

کودکان در دوره ابتدایی دارای ویژگی هایی هستند که آنها را از دیگر دوره ها متمایز می کند. مهم ترین آن این است که این دوره فرصت درتعلیم و تربیت قلمداد می شود.

پژوهش های صورت گرفته عوامل ایجاد کننده مدرسه هراسی را در یک بعد از اختلالات رفتاری خانواده، انضباط شدید رفتار والدین، ناسازگاری اجتماعی، سبک های فرزند پروری، مقررات سخت گیرانه ی مدرسه، برنامه های درسی و کیفیت آموزشی بایکی از ابعاد روانشناسی مانند بی انگیزگی، اضطراب شدید روان نژند، اختلالات اسکیزوفرنیک، آشفتگی ذهنی و عاطفی و هیجانی و روانی

شیوع و رواج

هراس از مدرسه کمابیش در تمام سطوح هوشی و در تمام سنین دیده می شود، لیکن این اختلال در بچه های زیر ده سال، به ویژه در کلاس های پایین تر نزدیک به واقعیت می باشد. در **پسران** مدرسه گریزی و در **دختران** مدرسه هراسی بیشتر دیده می شود. مدرسه گریزی در خانواده هایی با در آمد اقتصادی پایین و مدرسه هراسی در خانواده هایی با در آمد اقتصادی-اجتماعی بالا شیوع دارد.

مدرسه هراسی

چنین کودکانی تمایل به مدرسه رفتن ندارند، و یا اگر بروند فرار کرده، یک راست به خانه بر می گردند. آنها معمولا از وقوع یک سانحه یا مصیبت صحبت می کنند که ممکن است هنگام حضورشان در مدرسه، برای خانواده اتفاق بیفتد. به عبارت دیگر ما نوعی آشفتگی عاطفی همراه با اضطراب شدید دارند که باعث غیبتشان می شود.

خصوصیات بالینی مدرسه هراس ها

- این کودکان خجول و باهوش هستند. در محیط مدرسه ترسو و غیر فعال و نترس هستند. آنها در دوران کودکی تجربه ی جدایی از مادر را نداشته و از حمایت شدید مادر برخوردار بوده اند.

انواع اختلال مدرسه هراسی

- ۱. حالت حاد و عصبی
- ۲. حالت مزمن یا ناشی از منش کودک

علل مدرسه هراسی

1- ترس ناشی از ترک خانه:

ریشه اختلال هراس از مدرسه این است که کودک می ترسد خانه را ترک کند ، واگر او را وادار به این کار کنیم ، هراس مبدل به مدرسه هراسی خواهد شد.

2- اضطراب جدایی از مادر:

مادر و کودک به شدت به هم وابسته اند، وهمین وابستگی باعث می شود که کودک تصور کند در هنگام جدایی ، برای خود یا مادرش اتفاق می افتد ، در حالی که

کودک تصور میکند که اگر در خانه نباشد ممکن است در رفتار مادر تغییراتی صورت گیرد که متضاد با رفتار قبلی وی باشد. یعنی ممکن است دیگر او را دوست نداشته باشد.

4- **تخیلات کودک**: گاهی کودک تصور می کند که اگر از کنار مادر دور شود، ممکن است یک حادثه ناگوار برای او پیش بیاید. مثلا مادر فوت کند یا بیمار شود.

گاهی پدر یا مادر در شخصیت خود تعارض دارند و آن را در ارتباط با کودک نشان می دهند. مثلاً مادر می کوشد تا فرزندش را در مرحله کودکی نگهدارد، و نشانه ای که کودک از خود بروز می دهد فنوعی حس مادر را ارضا می کند. چنین مادرانی می خواهند کودک مستقل شود، اما نمی توانند به او چنین اجازه ای بدهند. در این حالت مادر به فرزندش می گوید که به مدرسه برود، اما به نوعی رفتار می کند که کودک به سخن مادر عمل نکند تا او به خواست نهایی خویش برسد.

6- فشارهای روانی :

گاهی کودک مدرسه هراس، به دلیل مورد تمسخر واقع شدن، از رفتن به مدرسه امتناع میکند، زیرا اودارای مشکلات عضوی از قبیل نقایص شنوایی یا گویایی است.

گاهی مادران از این که بگذارند کودک به تنهایی به مدرسه برود، وحشت دارند به همین دلیل خودشان او را به مدرسه ببرند و بر میگردانند. آنها دائم نگران این موضوع هستند که "نکند که کودک در مدرسه مریض شود" ویا "در راه اتفاق بدی بیفتد". آنها نگرانی خود را به طور غیرمستقیم به کودکان منتقل می کنند. مثلا با لرزش صدا می گویند که: "مدرسه که ترس ندارد."

گاهی کودک نسبت به مدرسه یا یکی از جنبه های ، نگرش منفی دارد . به عبارت بهتر او مدرسه را دوست نداشته ، آنجا را محیطی مغشوش می داند . گاهی نیز کودک از نظر سازگاری اجتماعی در مدرسه ، دچار اشکال است . یعنی او گوشه گیر بوده ، یا با معلم و دانش آموزان دیگر ، تماس نمی گیرد و به طور کلی از بودن در مدرسه احساس شادی نمیکنند .

9- گشتمکش درون خانواده:

برخی از والدین از ارائه هرگونه راهنمایی به کودک خود کوتاهی می کنند و در عین حال از او توقع دارند رفتاری در حد نابغه داشته باشند. وقتی کودک مطابق با این توقع در درس نمره نمی گیرد، وی را تنبیه کرده، به مدرسه نیز شکایت می کنند که چرا او را مجبور به درس خواندن نکرده اند. بنابراین کودک از مدرسه رفتن هراس دارد.

1- ناظم مدرسه که نسبت به کودکان

خشونت نشان می دهد و مقررات انضباطی سختی در مدرسه حاکم می کند.

2- معلم کلاس که رابطه خشک و جدی با

شاگردان دارد داز تنبیه استفاده کرده ، یا داد و فریاد می کند.

3- وجود دو گروه تنبل و زرنگ در کلاس ها

دیده می شوند. شاگردان تنبل نسبت به

خود دید منفی دارند و این خود کم بینی

همراه با تمسخر شاگردان دیگر و باعث فرار

از مدرسه می شود

تنش در نوجوانان می شود عبارت است
از :

1- ترس از معلم خشک و سخت گیر که
در کلاس سخنان طعنه آمیزه زیان می
آورد.

2- ترس از دانش آموزان قلدر که او را
اذیت کرده ، یا مسخره میکنند.

3- ترس از شکست در تحصیل

4- ترس از تنبیه شدن و طرد شدن از

سوی والدین

منشا درونی این هراس در دوران
نوجوانی این است که، نوجوان میخواهد
خود را از وابستگی به والین رها کرده
، بتدریج مسئولیتی در قباب اعمال
وافکارش بپذیرد. به همین دلیل به
محیطی نیاز دارد که امن باشد ، تا جنبه
های مختلف شخصیت را آزمایش کند .
این محیط امن می توتند "خانه و ودامان
مادر" باشد . به همین دلیل به مادر
متکی می شود وبا نرفتن به مدرسه

1- نظریه روانکاوان :

روانکاوان علت اصلی را "اضطراب جدایی از مادر" می دانند. آنها معتقدند که مادران کودکان مبتلا به هراس مدرسه ، خودشان نیز به مادرانشان وابستگی داشته اند ، آنها با کودک خود احساس همدردی کرده ، به شدت مراقب او هستند . همچنین این قبیل مادران تمام نیازهای کودک را برآورده می کنند، و در برابر پرخاشجوییهای او تعارض های غیر معقول دارند ، که تربیت کودک را مشکل می سازد .

از سوی دیگر، روانکاوان معتقدند که کودکان یک سلسله تمایلات پرخاشجویانه نسبت به مادر خود دارند که نمی توانند آنها را نسبت به او ابراز کنند ، زیرا از طرف مادر طرد خواهند شد. به

-نظریه رفتارگرایان:

رفتارگرایان اعتقاد دارند که کودکان این را آموخته اند که: "مدرسه مساوی است با از دست دادن مادر." به همین جهت از مدرسه می ترسند.

3-نظریه لونتال:

لونتال اعتقاد دارد که هر اس از مدرسه به علت ترس واقعی از مدرسه می باشد و به نظر او، کودکان مدرسه هر اس در محیط خانه بسیار مورد تایید قرار می گیرند و بدین ترتیب خود بزرگ بین میشوند در حالی که در مدرسه اصلا این موقعیت را کسب نمی کنند. پس خود بزرگ بینی آنها مورد تهدید قرار می گیرد و از این رو دیگر تمایلی ندارند که به مدرسه بروند، و در نتیجه از مدرسه بیزار می شوند.

هراسی

کودکان مدرسه هراس را با ملاک های زیر می توان تشخیص داد :

1-والدین می کوشند تا کودک را به مدرسه بفرستند ،اما موفق نمی شوند.

2-کودک در زمینه های زیادی اضطراب نامعقول دارد ،که دیگران در آن زمینه ها این نوع اضطراب را ندارند.

3-اضطراب فوق با اطمینان دادن برطرف میشود.

4-اگر اضطراب برطرف نشود به کانمن

پیشنهادهای کاربردی

1. انتظارات اولیا نسبت به پیشرفت تحصیلی فرزندان شان اصلاح و تعدیل شود
2. انجمن اولیا و مربیان مرکز برای اولیا مدارس سیاست گذاری و برنامه ریزی مناسب را انجام دهد.
3. برگزاری برنامه های تفریحی و سرگرمی های جذاب بیشتر برای دانش آموزان، برای اینکه احساس صمیمیت با کادر اجرایی مدرسه (مدیر، معاون و معلم) داشته باشند، مانند اردو ها، بازدیدهای علمی، فعالیتهای تربیتی، ورزشی و ..

برای شناخت دانش آموزان و
همکاری در رفع موانع مدرسه
هراسی

5. افزایش تجربه کودکان با قرار
گرفتن در محیط‌های آموزشی، پیش
از ورود به دوره دبستان مانند پیش
دبستانی و جشن شکوفه‌ها همراه
با والدین و داشتن برنامه‌های شاد
و متنوع به منظور ایجاد سازگاری کودک
با محیط جدید مدرسه برای کاهش

6. عدم مقایسه دانش آموزان با یکدیگر به طوری که نمره مبنای ارزیابی و مقایسه پیشرفت تحصیلی نباشد.

7. ایجاد زمینه های تشویق و ترغیب به جای سرزنش و تنبیه در انجام دادن تکالیف از سوی خانواده ها و کادر مدرسه.

8. بهره گیری از اساتید مجرب

در زمینه آموزش خانواده ها و برگزاری

کلاسهای ضمن خدمت برای همه کارکنان

مدرسه مانند دوره های شناخت اهمیت

ویژگی های اجتماعی و ذهنی دانش

آموزان

از توجه شما متشکرم

